

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند رحمتگر مهربان

يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ ﴿١﴾

فولادوند: ای کشیده رداى شب بر سر

مکارم: ای در بستر خواب آرمیده!

قُمْ فَأَنْذِرْ ﴿٢﴾

فولادوند: برخیز و بترسان

مکارم: برخیز و انداز کن (و عالمیان را بیم ده).

وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ ﴿٣﴾

فولادوند: و پروردگار خود را بزرگ دار

مکارم: و پروردگارت را بزرگ بشمار.

وَتِيَابِكَ فَطَهِّرْ ﴿٤﴾

فولادوند: و لباس خویشتن را پاک کن

مکارم: و لباست را پاک کن.

وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ ﴿٥﴾

فولادوند: و از پلیدی دور شو

مکارم: و از پلیدیها بپرهیز.

وَلَا تَمُنْ تَسْتَكْثِرُ ﴿٦﴾

فولادوند: و منت مگذار و فزونی مطلب

مکارم: و منت مگذار، و فزونی مطلب.

وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ ﴿٧﴾

فولادوند: و برای پروردگارت شکیبایی کن

مکارم: و به خاطر پروردگارت شکیبائی کن.

فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ ﴿٨﴾

فولادوند: پس چون در صور دمیده شود

مکارم: هنگامی که در صور دمیده شود.

فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ ﴿٩﴾

فولادوند: آن روز [چه] روز ناگواری است

مکارم: آن روز روز سختی است.

عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ ﴿١٠﴾

فولادوند: بر کافران آسان نیست

مکارم: و برای کافران آسان نیست.

ذُرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا ﴿١١﴾

فولادوند: مرا با آنکه [او را] تنها آفریدم واگذار

مکارم: مرا با کسی که او را تنها آفریدم واگذار!

وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا ﴿١٢﴾

فولادوند: و دارایی بسیار به او بخشیدم

مکارم: همان کس که برای او مال گسترده‌ای قرار دادم.

وَبَنِينَ شُهُودًا ﴿١٣﴾

فولادوند: و پسرانی آماده [به خدمت دادم]

مکارم: و فرزندانی که همواره نزد او (و در خدمت او) هستند.

وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا ﴿١٤﴾

فولادوند: و برایش [عیش خوش] آماده کردم

مکارم: و وسائل زندگی را از هر نظر برای وی فراهم ساختم.

ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ ﴿١٥﴾

فولادوند: باز [هم] طمع دارد که بیفزایم

مکارم: باز هم طمع دارد که بر او بیفزایم!

كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا ﴿١٦﴾

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

فولادوند: ولی نه زیرا او دشمن آیات ما بود

مکارم: هرگز چنین نخواهد شد، چرا که او نسبت به آیات ما دشمنی می‌ورزد.

سَأْرَهُقُّهُ صَعُوْدًا ﴿١٧﴾

فولادوند: به زودی او را به بالارفتن از گردنه [عذاب] وادار می‌کنم

مکارم: به زودی او را مجبور می‌کنم که از قلعه زندگی بالا رود (سپس او را به زیر می‌افکنم)

إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ ﴿١٨﴾

فولادوند: آری [آن دشمن حق] اندیشید و سنجید

مکارم: او (برای مبارزه با قرآن) اندیشه کرد و مطلب را آماده ساخت.

فَقَتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ﴿١٩﴾

فولادوند: کشته بادا چگونه [او] سنجید

مکارم: مرگ بر او باد چگونه (برای مبارزه با حق) مطلب را آماده کرد.

ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ﴿٢٠﴾

فولادوند: [آری] کشته بادا چگونه [او] سنجید

مکارم: باز هم مرگ بر او چگونه مطلب (و نقشه شیطانی خود را) آماده نمود.

ثُمَّ نَظَرَ ﴿٢١﴾

فولادوند: آنگاه نظر انداخت

مکارم: سپس نگاهی افکند.

ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ﴿٢٢﴾

فولادوند: سپس رو ترش نمود و چهره در هم کشید

مکارم: بعد چهره درهم کشید و عجلوانه دست به کار شد.

ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ ﴿٢٣﴾

فولادوند: آنگاه پشت گردانید و تکبر ورزید

مکارم: سپس پشت (به حق) کرد و تکبر ورزید.

فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلَهٌ سِحْرٌ يُؤْتِرُ ﴿٢٤﴾

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

فولادوند: و گفت این [قرآن] جز سحری که [به برخی] آموخته‌اند نیست

مکارم: و سرانجام گفت این (قرآن) چیزی جز يك سحر جالب همچون سحرهای پیشینیان نیست!

إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ ﴿٢٥﴾

فولادوند: این غیر از سخن بشر نیست

مکارم: این جز سخن انسان نمی‌باشد!

سَأُصْلِيهِ سَقَرَ ﴿٢٦﴾

فولادوند: زودا که او را به س ق ر در آورم

مکارم: (اما) به زودی او را وارد دوزخ می‌کنیم.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرٌ ﴿٢٧﴾

فولادوند: و تو چه دانی که آن س ق ر چیست

مکارم: و تو نمی‌دانی دوزخ چیست ؟

لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ ﴿٢٨﴾

فولادوند: نه باقی می‌گذارد و نه رها می‌کند

مکارم: (آتشی است که) نه چیزی را باقی می‌گذارد و نه چیزی را رها می‌سازد!

لَوْ أَحَاطَ لِلْبَشَرِ ﴿٢٩﴾

فولادوند: پوستها را سیاه می‌گرداند

مکارم: پوست تن را به کلی دگرگون می‌کند.

عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ ﴿٣٠﴾

فولادوند: [و] بر آن [دوزخ] نوزده [نگهبان] است

مکارم: نوزده نفر (از فرشتگان عذاب) بر آن گمارده شده‌اند!

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَى لِلْبَشَرِ ﴿٣١﴾

فولادوند: و ما موکلان آتش را جز فرشتگان نگردانیدیم و شماره آنها را جز آزمایشی برای کسانی که کافر شده‌اند قرار ندادیم تا آنان که اهل کتابند یقین به هم رسانند و ایمان کسانی که ایمان آورده‌اند افزون گردد و آنان که کتاب به ایشان داده شده و [نیز] مؤمنان به شك نیفتند و تا کسانی که در دل‌هایشان بیماری است و کافران بگویند خدا از این وصف کردن چه چیزی را اراده کرده است این گونه خدا هر که را بخواهد بپراه می‌گذارد و هر که را بخواهد هدایت می‌کند و [شماره] سپاهیان پروردگارت را جز او نمی‌داند و این [آیات] جز تذکارتی برای بشر نیست

مکارم: ماءموران دوزخ را جز فرشتگان (عذاب) قرار ندادیم، و تعداد آنها را جز برای آزمایش کافران معین نکردیم، تا اهل کتاب (یهود و نصاری) یقین پیدا کنند، و ایمان مؤمنان افزوده شود، و اهل کتاب و مؤمنان (در حقانیت این کتاب آسمانی) تردید به خود راه ندهند، و کافران بگویند: خدا از این توصیف چه منظوری دارد؟ (آری) اینگونه خداوند هر کس را بخواهد گمراه می‌سازد و هر کس را بخواهد هدایت می‌کند، و لشکریان پروردگارت را جز او کسی نمی‌داند، و این جز هشدار و تذکری برای انسانها نیست.

كَلَّا وَالْقَمَرَ ﴿٣٢﴾

فولادوند: نه چنین است [که می‌پندارند] سوگند به ماه

مکارم: اینچنین نیست که آنها تصور می‌کنند، سوگند به ماه.

وَاللَّيْلِ إِذْ أَدْبَرَ ﴿٣٣﴾

فولادوند: و سوگند به شامگاه چون پشت کند

مکارم: و به شب هنگامی که (دامن برچیند و) پشت کند.

وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ ﴿٣٤﴾

فولادوند: و سوگند به بامداد چون آشکار شود

مکارم: و به صبح هنگامی که چهره بگشاید.

إِنَّهَا لِإِحْدَى الْكُبَرِ ﴿٣٥﴾

فولادوند: که آیات [قرآن] از پدیده‌های بزرگ است

مکارم: که آن (حوادث هولناک قیامت) از مسائل مهم است.

نَذِيرًا لِلْبَشَرِ ﴿٣٦﴾

فولادوند: بشر را هشداردهنده است

مکارم: هشدار و اندازی است برای همه انسانها.

لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ ﴿٣٧﴾

فولادوند: هر که از شما را که بخواهد پیشی جوید یا بازایستد

مکارم: برای کسانی از شما که می‌خواهند تقدم جویند یا عقب بمانند (به سوی هدایت خیرات پیش روند یا نروند).

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ ﴿٣٨﴾

فولادوند: هر کسی در گرو دستاورد خویش است

مکارم: هر کس در گرو اعمال خویش است.

إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ ﴿٣٩﴾

فولادوند: بجز یاران دست راست

مکارم: مگر اصحاب الیمین (که نامه اعمالشان را به نشانه ایمان و تقوی به دست راستشان می‌دهند).

فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٤٠﴾

فولادوند: در میان باغها از یکدیگر می‌پرسند

مکارم: آنها در باغهای بهشتند و سؤال می‌کنند.

عَنِ الْمُجْرِمِينَ ﴿٤١﴾

فولادوند: درباره مجرمان

مکارم: از مجرمان:

مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ ﴿٤٢﴾

فولادوند: چه چیز شما را در آتش [سقر] درآورد

مکارم: چه چیز شما را به دوزخ فرستاد؟

قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ﴿٤٣﴾

فولادوند: گویند از نمازگزاران نبودیم

مکارم: می‌گویند: ما از نمازگزاران نبودیم!

وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ ﴿٤٤﴾

فولادوند: و بینوایان را غذا نمی‌دادیم

مکارم: و اطعام مستمند نمی‌کردیم!

وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ ﴿٤٥﴾

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

فولادوند: با هرزه‌درایان هرزه‌درایی می‌کردیم

مکارم: و پیوسته با اهل باطل همنشین و همصدا بودیم.

وَ كُنَّا نُكْذِبُ يَوْمَ الدِّينِ ﴿٤٦﴾

فولادوند: و روز جزا را دروغ می‌شمردیم

مکارم: و همواره روز جزا را انکار می‌کردیم.

حَتَّىٰ أَتَانَا الْيَقِينُ ﴿٤٧﴾

فولادوند: تا مرگ ما در رسید

مکارم: تا زمانی که مرگ ما فرا رسید.

فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ ﴿٤٨﴾

فولادوند: از این رو شفاعت‌کنندگان به حال آنها سودی نمی‌بخشد

مکارم: لذا شفاعت‌کنندگان به حال آنها سودی نمی‌بخشید.

فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ ﴿٤٩﴾

فولادوند: چرا آنها از تذکر روی گردانند

مکارم: چرا آنها اینهمه از تذکر گریزانند؟

كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ ﴿٥٠﴾

فولادوند: گویی گورخرانی رمیده‌اند

مکارم: گوئی آنها گورخرانی هستند رمیده.

فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ ﴿٥١﴾

فولادوند: که از مقابل شیری فرار کرده‌اند

مکارم: که از شیر فرار کرده‌اند!

بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُؤْتَىٰ صُحُفًا مُّنشَرَةً ﴿٥٢﴾

فولادوند: بلکه هر کدام از آنها انتظار دارد نامه جداگانه‌ای از سوی خدا برای او فرستاده شود

مکارم: بلکه هر کدام از آنها انتظار دارد نامه جداگانه‌ای (از سوی خدا) برای او فرستاده شود.

كَلَّا بَلْ لَّا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ ﴿٥٣﴾

فولادوند: چنین نیست که آنان می‌گویند بلکه آنها از آخرت نمی‌ترسند

مکارم: چنین نیست که آنها می‌گویند، بلکه آنها از آخرت نمی‌ترسند.

كَلَّا إِنَّهُ تَذَكِّرُهُ ﴿٥٤﴾

فولادوند: چنین نیست که آنها می‌گویند آن قرآن يك تذکر و یادآوری است

مکارم: چنین نیست که آنها می‌گویند، آن (قرآن) يك تذکر و یادآوری است.

فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ ﴿٥٥﴾

فولادوند: هر کس بخواهد از آن پند می‌گیرد

مکارم: هر کس بخواهد از آن پند می‌گیرد.

وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ ﴿٥٦﴾

فولادوند: و هیچ کس پند نمی‌گیرد مگر اینکه خدا بخواهد او اهل تقوا و اهل آمرزش است

مکارم: و هیچکس پند نمی‌گیرد مگر اینکه خدا بخواهد، او اهل تقوی و آمرزش است.

